

خاطرات منصور ضابطیان از سفر به مراکش

سفر با عطر چای نعنا



جالب این که راوی این کتاب به عنوان یک جهانگرد حرفه‌ای، در خلال شرح ماجراهای سفر خود، پیشنهادات و راهکارهای خوب و مهمی را در ارتباط با چگونگی راحت‌تر سفر کردن به یک کشور دیگر به شکل غیر مستقیم در اختیار مخاطبانش قرار می‌دهد؛ راهکارهایی در ارتباط با چگونگی رزرو هتل، پیدا کردن دوستانی در سرزمین مقصد، خرید بلیت هواپیما و... که شما را در استفاده بهینه از فرصت سفر به یک سرزمین جدید یاری می‌کند. این ویژگی مثبت را البته باید در کنار توصیفات دقیق و خواندنی راوی کتاب از برخی تفاوت‌های فرهنگی میان ایران و مراکش که با قلمی روان و بیانی طنز گونه مطرح می‌شود، قرار دهید تا ارزش این سفرنامه را بیشتر درک کنید.

دارالبیضا یا همان کازابلانکا در این کشور آشنا شوند؛ سرزمینی که بهار سال گذشته مقصد سفر منصور ضابطیان، نویسنده و جهانگرد سرشناس ایرانی هم شده است تا او خاطراتش را از این سفر پرمایه را قالب کتاب «چای نعنا» منتشر کند. ضابطیان که در این سفر به چند شهر مهم و پرجمعیت مراکش رفته است، در چای نعنا علاوه بر شرح کیفیت زندگی مردم مراکش، به توصیف برخی آداب و رسوم جالب ساکنان این سرزمین مسلمان پرداخته است؛ کشوری که نزدیک‌ترین منطقه قاره آفریقا به اروپاست و نوشیدنی رایج و معروف آن چای نعناست و ضابطیان هم اسم اثرش را از این نوشیدنی رایج مراکشی‌ها وام گرفته است.

احسان سالمی

روزنامه‌نگار

اگر از شیفتگان سینما به‌ویژه فیلم‌های کلاسیک تاریخ سینما هستید، حتما اسم فیلم «کازابلانکا» را شنیده‌اید؛ فیلمی که بخشی از قصه عاشقانه آن در شهر کازابلانکا به وقوع می‌پیوندد. هر چند در دنیای واقعی همه آن فیلم در یک استودیو در آمریکا ضبط شد، ولی انتخاب نام کازابلانکا برای این اثر باعث شد بسیاری از مخاطبان حداقل به واسطه این فیلم هم که شده با سرزمین مراکش و شهر معروف

اطلاعات فوری

عنوان: چای نعنا

نویسنده: منصور ضابطیان

ناشر: مثلث

تعداد صفحات: ۱۶۸

قیمت: ۲۰ هزار تومان

پیش‌بینی زمان مطالعه: ۴ تا ۶ روز

لذت دیدن نشانه‌ای از يك هموطن در سفر

چقدر دنیا كوچك است!



مراکش اصولاً از آن دسته کشورهایی نیست که مقصد سفر گردشگرهای ایرانی باشد، شاید به همین خاطر است که وقتی ضابطیان به شکل اتفاقی در یکی از رستوران‌های مراکش نشانی از یک ایرانی می‌بیند، هم شاد می‌شود و هم تعجب می‌کند: «روبه‌روی من می‌نشیند و شروع می‌کند به ورق زدن. انگار به دنبال چیزی می‌گردد. دفتر را پیش من می‌آورد و نشانم می‌دهد. خط فارسی است و یک نفر به امضای پیمان یزدانی نوشته: «حسن آدم خیلی باحالی هستی. احتمالاً من اولین ایرانی هستم که اینجا غذا می‌خورم. امیدوارم غذاهات همیشه این جوری باشه و باز هم بیام پیشت.» چیزی که برایم جالب است تاریخ نوشته است که مال تقریباً سه سال قبل است و این که حسن آقا به یاد دارد که سه سال پیش هم یک مشتری ایرانی داشته عجیب است. از این ماجرا ویدئو می‌گیرم و توی کانال می‌گذارم. آ

نیم ساعتی نمی‌گذرد که توی تلگرام پیغامی می‌گیرم: «سلام آقای ضابطیان... خوبین شما... من پیمان یزدانی‌ام.» ظاهراً دوست مشترکی ویدئوی مرا دیده و برای پیمان فرستاده؛ پیمان هیجان زده است و می‌گوید مو بر تنش سیخ شده و چقدر دنیا کوچک است. پیمان عکاس ایسناست و تابستان سه سال پیش اینجا بوده. همین‌جا تو غذا فروشی حسن آقا!!»

نشانم می‌دهد. خط فارسی است و یک نفر به امضای پیمان یزدانی نوشته: «حسن آدم خیلی باحالی هستی. احتمالاً من اولین ایرانی هستم که اینجا غذا می‌خورم. امیدوارم غذاهات همیشه این جوری باشه و باز هم بیام پیشت.» چیزی که برایم جالب است تاریخ نوشته است که مال تقریباً سه سال قبل است و این که حسن آقا به یاد دارد که سه سال پیش هم یک مشتری ایرانی داشته عجیب است. از این ماجرا ویدئو می‌گیرم و توی کانال می‌گذارم. آ

نیم ساعتی نمی‌گذرد که توی تلگرام پیغامی می‌گیرم: «سلام آقای ضابطیان... خوبین شما... من پیمان یزدانی‌ام.» ظاهراً دوست مشترکی ویدئوی مرا دیده و برای پیمان فرستاده؛ پیمان هیجان زده است و می‌گوید مو بر تنش سیخ شده و چقدر دنیا کوچک است. پیمان عکاس ایسناست و تابستان سه سال پیش اینجا بوده. همین‌جا تو غذا فروشی حسن آقا!!»

کازابلانکا، بزرگ‌ترین بندر قاره آفریقا

شهر خانه‌های سفید

ضابطیان سفر خود را به مراکش از معروف‌ترین شهر این کشور یعنی کازابلانکا آغاز می‌کند و بخش عمده‌ای از کتاب هم به خاطرات او از این شهر اختصاص دارد. شهری که ضابطیان دلایل اهمیت آن را این‌گونه شرح می‌دهد: «کازابلانکا یک عبارت اسپانیایی ست متشکل از blanca و casa، به معنی خانه‌های سفید. دیوارهای شهر لحظه‌به‌لحظه نام شهر را یادآوری می‌کنند. ساختمان‌های سفیدرنگی که مهم‌ترین ویژگی کازابلانکا هستند. کازابلانکا امروز بزرگ‌ترین بندر قاره آفریقا است و مهم‌ترین شهر تجاری مراکش. شهر تاریخی پر رفت‌وآمد دارد و لابد همین موقعیت جغرافیایی خاص آن در کناره اقیانوس اطلس بوده که چنین تاریخی را برایش رقم زده است. در طول قرن‌ها بربرها، رومی‌ها، عرب‌ها، پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و سرانجام مراکشی‌ها بر این شهر سیطره داشتند. اسم قدیم شهر، همان موقع که بربرها بر آن حکم می‌رانده‌اند، «انفا» بوده است؛ واژه‌ای به معنای تپه و جالب این که هنوز خیلی‌ها به بخش قدیمی شهر، انفا می‌گویند.»



عجیب‌ترین جای مراکش

میدانی که خواب ندارد اما خوراك چرا!

ضابطیان در توصیف یکی از دیدنی‌ترین مناطق شهری به نام مراکش در کشور مراکش می‌نویسد: «میدان جامع الفنا عجیب‌ترین جای مراکش است. شاید بتوانم بگویم یکی از عجیب‌ترین جاهایی هم هست که در دنیا دیده‌ام. شلوغ‌ترین میدان آفریقا. میدانی بزرگ که وسعتش را نمی‌دانم و در هیچ منبع قابل دسترسی در اینترنت هم نتوانستم وسعتش را پیدا کنم، اما حدس می‌زنم از جایی مثل میدان آزادی خیلی بزرگ‌تر باشد. در گوشه میدان، مسجد کتیبه با آن مناره ۷۶ متری‌اش خودنمایی می‌کند. وقتی می‌گویم میدان نباید تصور کرد که از یک سطح دایره‌ای شکل با گلکاری و... حرف می‌زنم. جامع الفنا در واقع یک فضای گسترده خشک است که مجموعه اتفاقاتی که در آن می‌افتد، مجموعه مشاغل، رفتارهای اجتماعی و... آن را شکل می‌دهد و دقیقاً به همین خاطر است که بونسکو آن را به عنوان میراث فرهنگی ثبت کرده است. میدان نزدیک هزار سال قدمت دارد و کتاب‌ها و اسناد می‌گویند شرایط میدان تغییر چندانی نکرده، طی هزار سال گذشته هم اتفاقاتی شبیه این در همین نقطه افتاده. اینجا پر است از آشپزخانه‌های سیار و غذا فروشی‌های خیابانی؛ میدان خواب ندارد اما دل‌تان بخواهد خوراك دارد.»